

زیباشناسی فضای جمعی

# ارزیابی زیبایی در سه فضای شهر تهران

**چکیده** | فضای جمعی و زیباشناسی دو مفهومی هستند که امروزه در ادبیات شهری جایگاه وسیعی را به خود اختصاص داده‌اند. نقطه پیوند این «دوگانه» در مقوله معنای فضا نزد انسان و نقش او در شکل دهی به این معناست. اقدامات زیباشناسانه از طریق مداخله انسان در فضای جمعی به بروز معنا در تجربه محسوس مخاطب از آن می‌انجامد. این اقدام، میزان انطباق معنا را با ذهن مخاطب تعیین می‌کند. هرچه اقدام زیباشناسانه با ذهنیت جامعه هم‌سوتر باشد، مخاطب معنای عمیق‌تری از فضای جمعی دریافت خواهد کرد. در مقابل، اقدامات زیباشناسانه که اغلب به دلایل ایدئولوژیک، اقتصادی، بی‌برنامگی از ذهنیت جامعه به‌دورند، در محصول خود به‌وضوح دچار آشفتگی و بی‌معنایی می‌شوند.

**واژگان کلیدی** | فضای جمعی، زیباشناسی، مداخله انسان، تهران.

مریم‌السادات منصورى،  
پژوهشگر دکتری  
معماری منظر، دانشگاه  
پاریس غرب، لافانس



maryamansouri@gmail.com

تصویر ۲  
Pic2

تصویر ۲: آن‌چه از نظرگاه پل طبیعت برای کاربران به نظاره گذاشته شده است یادآور این ابیات «قیصر امین‌پور» است: «خدا، روستا را / بشتر، شهر را / و شاعران، آرمان شهر را آفریدند / که در خواب هم، / خواب آن را ندیدند». عکس: مریم‌السادات منصورى، ۱۳۹۳.

Pic2: What has been left to watch for the users from the Tabiat (Nature) bridge belvedere, reminds this poem of Gheysar Aminpour (a contemporary Iranian poet): «God created the village, human created the city and poets, Utopia, which even in their dreams, didn't dream of it» Photo: Maryam Mansouri, 2015.

## مفاهیم نظری پژوهش

### فضای عمومی<sup>۱</sup> و فضای جمعی<sup>۲</sup>

در ادبیات منظر شهری «Public space» عبارتی مصطلح است که در غرب به طور گسترده مورد مطالعه قرار گرفته و در حوزه‌های متعدد تئوریزه شده است. «Public space» در فارسی غالباً «فضای جمعی» ترجمه می‌شود در صورتی که ترجمه اصلی آن فضای عمومی است. ضرورت این تمایز در ادامه مشخص می‌شود.

فضای عمومی مفهومی است که در سال‌های ۱۹۸۰ خصوصاً در اروپا به عنوان راه‌حلی برای بحران اجتماعی و شهری آن زمان که عبارت بود از بی‌معنا شدن ارزش‌ها، انزوای گروه‌های اجتماعی و خشونت‌های رفتاری با هدف تسکین روابط اجتماعی و توسعه احساس تعلق افراد به یک مجموعه مشترک به میان آمد (Levy et al., 2003: 333). ریشه آکادمیک این کانسپت را به «یورگن هابرماس»<sup>۳</sup> فیلسوف آلمانی منتسب کرده‌اند که در سال‌های ۱۹۵۰ مفهوم «عرصه عمومی»<sup>۴</sup> را مطرح کرد. اتفاقاً در مبحث فضای عمومی است که متفکرین اروپایی، شهرنشینی را از دموکراسی تمیز می‌دهند (Joseph, 2002: 36)؛ زیرا فضای عمومی با سیاست پیوند تنگاتنگی خورده و یکی از اصول دموکراسی تلقی می‌شود: محل ایده‌آل ابراز عقیده. پژوهش‌های هابرماس همسو با این گفتار، اساساً حوزه سیاسی را مخاطب قرار می‌دهد؛ به این معنا که «عموم» به گمان او، عبارت از فردهایی است که مدعی چنین و چنان بوده و با قوه تعقل خود تصمیم‌گیری می‌کنند و فضای عمومی محل ظهور این تصمیمات است. کتاب هابرماس که برگرفته از تز دکتری او بود و در سال ۱۹۷۸ به چاپ رسید با مفهوم فضای عمومی شهری که پیش‌تر توسط معماران، شهرسازان و جغرافی‌دانان استفاده می‌شد وارد تنش شد زیرا بیش از آن‌که به ابعاد شهری فضای عمومی پردازد، فضای مشترک فعالیتی را مدنظر قرار می‌داد. او بر این باور است که فضای عمومی صرفاً فضای دیالوگ سیاسی و ارتباط میان افراد است و حتی می‌تواند شکل مادی نداشته باشد (Habermas, 1978).

در فرهنگ لغات تخصصی شهر و زندگی اجتماعی، فضای عمومی فضایی قابل دسترس و کارکردی است که فعالیت‌های اجتماعی و تعاملات افراد را امکان می‌بخشد و در زندگی شهری مشارکت فعال دارد (Levy et al., 2003: 333). «جان دیوی»<sup>۵</sup> فیلسوف آمریکایی فضای عمومی را «مکان زندگی‌گردهم»<sup>۶</sup> می‌داند (Dewey, 2008: 211). «هانا آرنست»<sup>۷</sup> فیلسوف آلمانی معتقد است فضای عمومی آن چیزی است که ما، با پیشینیان



زیباشناسانه در فضای جمعی، به دلیل آنکه از واقعیت زندگی جامعه و ذهنیت مخاطب فاصله دارند، [اغلب] ناموفق بوده و فاقد معناست.

**روش‌شناسی** | این نوشتار پس از یک مرحله مطالعه نظری مفاهیم اصلی پژوهش، وارد مرحله تحلیل میدانی در سه نمونه موردی از تهران می‌شود. تحلیل میدانی در دو مقیاس انجام می‌گیرد: مقیاس جزء-نگر شامل حضور پژوهشگر در محل و برداشت عناصر کالبدی و ویژگی‌های فضایی می‌شود. مقیاس کل-نگر که نتیجه تعمق و تحلیل برداشت جزء-نگر است، به استخراج اقدام مهم زیباشناسانه در هر نمونه می‌پردازد.

در نهایت، اقدام زیباشناسانه از نظر انطباق با نتیجه تولید شده در فضای جمعی ارزیابی می‌شود.

**مقدمه** | مفهوم فضای جمعی اگرچه در ادبیات عمومی شهری به مفهوم فضای عمومی شهری نزدیک به نظر می‌رسد، اما تمایز معنایی این دو انکارناپذیر است. فضای جمعی نه تنها نوعی از فضاهای شهری نیست بلکه دارای ارزشی معنایی است که جوهر آن را متمایز می‌کند. از طرف دیگر، مفهوم زیباشناسی در این مبحث جایگاه ویژه‌ای دارد که در مقاله تشریح خواهد شد. لذا باید توجه داشت هدف و موضوع این نوشتار تحلیل فضاها به مثابه فضای جمعی نیست، بلکه وجه خاص «ارزیابی زیباشناسانه» آن‌هاست. پس از تبیین معنای این اصطلاح، پژوهش حاضر سه نمونه فضای جمعی در تهران را هدف ارزیابی زیباشناسانه قرار می‌دهد.

**فرضیه** | چشم‌اندازهای آرمان‌گرایانه اقدامات

تصویر ۳: دو چهره خیابان انقلاب اسلامی در مقابل سردر دانشگاه تهران: اول، کاربری عملکردی خیابان به عنوان دسترسی سواره و پیاده مهم شهر و دوم، فضای گردهم‌آبی مردم برای ابراز عقاید و خواسته‌هایشان در جنبش‌های انقلاب اسلامی. با جای دادن حرکت‌های انقلابیون، این فضای شهری در خاطره مشترک مردم تهران و حتی ایران جای گرفت. عکس: مریم‌السادات منصور، ۱۳۹۳، <http://news.ir/news/400734166764.html>

Pic3: Two faces of Enghelab-e Eslami Avenue (Islamic Revolution ave). in front of the entrance of Tehran Campus University: first, the functional use of the avenue as an important roadway and pedestrian urban access. second, a people's gathering space for announcing their thoughts and demands while the Islamic Revolution movements (1979). By hosting the revolutionary movements which took place in Tehran, even Iran citizen's collective memory is shaped. Photo: Maryam Mansouri. <http://news.ir/news/400734166764.html>

تصویر  
Pic5



تصویر ۵: فضای مصنوعی، فضای دستوری و فضای تزیین شده صفات گونه‌ای از فضاهاى عمومی شهر است که تفکر برنامه‌ریزان و سازندگان آن دور از واقعیت بوده است. «پیاده‌راه آیینی» که در آن موتور و ماشین به چشم می‌خورد؛ سطل زباله در معرض دیدترین عنصر آن است، سازه‌های موقت که بهانه جذب کاربران نادر فضا است، تناقض هدف و نتیجه را نشان می‌دهند. همه چیز، بوی تزیین سطحی و تحمیلی می‌دهد. عکس: مریم‌السادات منصور، ۱۳۹۳.

Pic5: "Artificial space, authoritarian space, decorated space, ..." these are some characteristics for some kind of urban public spaces that their people in charge's thought have been far from reality. A "Ritual pedestrian way" in which engines and cars are present, trash bucket is the most visible elements and temporary structures are attraction of a very few users. They manifest the paradox between the product and the action. Everything shows some imposed superficial decoration. Photo: Maryam Mansouri, 2015.

تمامی اُبژه‌های محسوس. اوزیباشناسی را در معنا و پیام اثر هنری می‌بیند در حالی که کانت بیشتر به ویژگی‌های تجربه زیباشناسانه معطوف است که آن را از سایر تجربیات (عملی و دانش محور) متمایز می‌کند (Talon-Hugon, 2013: 62). نیچه زیباشناسی را در ارتباط هنر با زندگی می‌یابد و هایدگر، اگرچه با نظریات هگل نسبتاً موافق است اما معتقد است هنر و طبعاً زیباشناسی، تحت نگاهی پدیدارشناسانه دارای وجهی هستی‌شناسانه است. (Ibid: 72-77)

### زیباشناسی فضای جمعی

در کنار تعاریف کلاسیک زیباشناسی، نظریه پردازان بنام حوزه شهر چون «کالن»، «لینچ»، «اپلبارد»، «بیکن»، «برک» و «لاسوس» به نوبه خود به تحلیل زیباشناسی پرداخته و اصطلاح «زیباشناسی شهری» را مطرح کرده‌اند. آن‌ها معتقدند زیبایی شهری متکی به اعتبار معیارهای زیباشناسی است که مقبولیت عام دارد. زمان، تاریخ و ذهنیت مشترک جمعی این معیارهای عینی را تولید می‌کند (آتشین‌بار، ۱۳۹۱: ۱۳).

براساس تعاریف فوق، زیباشناسی با درک محسوس انسان از محیط زندگی- که می‌تواند صرفاً برداشت هنری باشد یا فراتر از آن رفته و برداشت عمومی محسوس را نیز شامل شود، پیوند تنگاتنگی خورده است. علی‌رغم تفاوت‌ها، می‌توان «معنادهی به درک انسان» را وجه

می‌گیرد که به آن «زیباشناسی» گفته می‌شود. اقدامات زیباشناسانه<sup>۴</sup> لزوماً کالبدی نیستند، بلکه شامل رفتارها و فعالیت‌های انسانی در فضا و اهمیت ذهنی آن برای مخاطب نیز می‌شوند.

زیباشناسی<sup>۵</sup> زیباشناسی یک دیسیپلین فلسفی است. اقدامی مباحثه‌ای، تحلیلی و مستدل که به روشن‌گری معنایی منتج می‌شود. واژه لاتین آن «aistheta» نخستین بار در سال ۱۷۳۵ توسط «بومگارتن»<sup>۶</sup> فیلسوف آلمانی مطرح و به عنوان «علم شناخت محسوس شیء (اُبژه)» معرفی شد (Baumgarten, 1735). بعدتر، دایره‌المعارف آکادمیک آمریکا (Encyclo- paedia American Academic, 1993) و دایره‌المعارف فلسفه (Filosofica Encyclopaedia, 1967) آن را شاخه‌ای از فلسفه تعریف کردند که هنرها و زیبایی را مورد مطالعه قرار می‌دهد (Talon-Hugon, 2013: 3). فیلسوف‌هایی چون افلاطون (Platon, 1995)، کانت (Kant, 1995)، نیچه (Nietzsche, 1967)، هگل (Hegel, 1995)، هایدگر (Heidegger, 1987)، دیوئی (Dewey et al, 2010) و دیگران در تبیین وجوه گوناگون این مفهوم سخن گفته‌اند. «هگل» بر این باور است که زیباشناسی، اصولاً فلسفه هنر است و برخلاف تعریفی که آن را شناخت محسوس اُبژه می‌پندارد، تنها به هنر منحصر می‌شود و نه

و آیندگانمان به اشتراک داریم (Arendt, 1961: 117). از تعاریف فضای عمومی استخراج می‌شود جایگاه کاربران فضا تنها به مثابه فرد یا گروه‌هایی از افراد است که بی‌هیچ ارتباطی با سایرین در فضا حضور دارند. این تلقی از فضای عمومی بر پایه‌های حقوقی استوار است. به این معنا که حقوق همگان برای استفاده از فضا و حضور در آن برابر است، فضا قابل دسترس برای تمامی افراد است، کاربران فضا به حقوق یکدیگر احترام می‌گذارند و حضور هم‌زمان یکدیگر را در فضا تحمل می‌کنند. خلاصه، آن‌که در این تعاریف تأکید بر حضور فیزیکی افراد در فضا است. فضای جمعی اما، علاوه بر ویژگی‌های فضای عمومی که هم عینی هستند (کالبد فضا، خدمات شهری ارائه شده و در دسترس بودن) و هم ذهنی (جریان زندگی شهری، تداوم طی نسل‌ها و تعامل میان افراد) ویژگی دیگری نیز دارد. فضای جمعی محصول تصاحب فضا توسط کاربران و فعالیت‌هایشان است. تصاحب فضا با اشغال کردن آن متفاوت است زیرا افراد حاضر در فضای جمعی، برخلاف کاربران فضای عمومی که گروه‌هایی منفک از افراد هستند، واحدهای انسانی را تشکیل می‌دهند که دارای تجربه فضایی مشترک و یکسان‌اند. از این ویژگی درمی‌یابیم وجه تمایز اصلی، معنادار بودن فضا نزد کاربر است و مشخصه اصلی، مداخله انسان برای معنا بخشی به آن. این مداخله از طریق اقداماتی صورت

تصویر ۳  
Pic3تصویر ۶  
Pic6

تصویر ۶: فضای میدان باستی که در یک روز معمولی به دسترسی بسوآره اختصاص دارد و در زمانی دیگر، با حادثه‌ای اجتماعی یا سیاسی به فضای کاملاً پیاده بدل شده و امکان حضور جمعیتی را می‌دهد که ادعایی مشترک دارند. همین اتفاق که نزدیک به ۳ قرن پیش نیز در زمان شکل‌گیری انقلاب کبیر فرانسه رخ داده و منجر به پیروزی آن شده بود، موجب ماندگار شدن میدان باستی به‌مثابه فضای اعتراض و پیروزی مردمی در اذهان شهروندان شده است. عکس راست: مریم‌السادات منصوری، چپ: خبرگزاری رویترز.

Pic6: The Bastille square in Paris that acts as a roadway access and as a totally pedestrian space by hosting people who share some claims while a social or political event. The same event happened in this very space three hundred years ago while the movement of the French Revolution succeeded and made Bastille square persistent in the collective mind of Parisian citizens as the space of protest and people's victory. Photo right: Maryam Mansouri. Left: Reuters media.

آزاددهنده تلقی می‌شوند. اما در طراحی پل طبیعت با ایجاد فضای نظرگاهی، زیبایی‌آفرینی شده و فضای موقعیت جغرافیایی و مکان‌یابی‌اش در شهر بهترین استفاده را کرده و به تصویرسازی و خلق خاطره مشترک بصری از طریق زیباشناسی کوه و بزرگراه پرداخته است (تصاویر ۲ و ۳).

### نمونه دوم: خیابان انقلاب اسلامی

این فضای شناخته‌شده تهران، نخست، یک شاهراه ترددی است. وجود دانشگاه در قلب آن، کتاب‌فروشی‌ها، سینماها و کافه‌ها موجب تصاحب قوی فضای توسط قشر روشن‌فکر و تحصیل‌کرده جامعه شده است. خیابان انقلاب دارای ویژگی‌های بالقوه‌ای است که در شرایط ویژه، تبدیل به فضای جمعی می‌شود. مانند تظاهرات سیاسی و اجتماعی علیه یا پشتیبان مسایل کشور از جمله حوادث مرتبط با انتخابات ۸۸ که اگرچه برآمده از دو تفکر سیاسی متضاد بودند اما برای بیان نظرات خود این فضا را انتخاب کردند. نمونه آشناتر از حوادثی که خیابان انقلاب را بستر تحقق خود قرار داد، انقلاب اسلامی ایران است (تصویر ۳). خیابان انقلاب تهران اگرچه لزوماً کالبد فضای جمعی ندارد اما اهمیت آن در ذهن مردم، از هر جناح و تفکری که باشند، تعریف می‌شود. مهم‌ترین ویژگی زیباشناسانه خیابان انقلاب اعتباربخشی به خاطره تاریخی مشترک مردم است.

مشترک این تعاریف تلقی کرد.

حال، آن‌چه در این نوشتار با نام «اقدامات زیباشناسانه» مطرح می‌شود عبارت است از مداخلاتی که در شهر با هدف اثرگذاری بردرک کاربر از فضا تحقق می‌یابد. بیشترین حضور انسان در شهر، اعم از فیزیکی یا معنوی، براساس تعاریفی که ارائه شد در فضای جمعی اتفاق می‌افتد. لذا زیباشناسی فضای جمعی از ارکان نخستین و بنیادین اثرگذاری بردرک مخاطب و انتقال پیام به ذهن اوست.

### زیباشناسی فضای جمعی در تهران

هدف از ارزیابی زیباشناسانه سه نمونه فضای جمعی در تهران، استخراج اقدامات مهم زیباشناسانه در آن‌ها از طریق بررسی و تحلیل ویژگی‌های صوری مداخله است.

### نمونه اول: پل طبیعت

این فضا دارای کالبد یک فضای جمعی کاملاً مدرن بوده و با بستری که در آن قرار دارد (پارک آب و آتش که دارای طراحی مدرن است) هماهنگ است. وجه مشخصه آن، تغییر کاربری کلاسیک پل از گذرگاه به توقف‌گاه است. کاربران با حضور در فضا، غالباً به نظاره منظر بزرگراه شهید مدرس و کوه‌ها مشغول می‌شوند. بزرگراه‌ها در تهران عموماً به خاطر حجم زیاد اتومبیل، راه‌بندان، اتلاف وقت، آلودگی هوا و صوتی، فضاهایی ناملموس و

تصویر  
Pic1

تصویر ۱: مردمی که از نظرگاه پل طبیعت، با منظر شهر تهران عکس یادگاری می‌گیرند. انتخاب منظر پس‌زمینه کوه‌های شمال تهران و بزرگراه مدرس برای ثبت خاطره از طرف کاربران متعددی که یکدیگر را نمی‌شناسند، نشانه اهمیت این منظر در ذهن آنان است. آنان این تصویر را با سایر کاربران به اشتراک دارند، هرچند با یکدیگر غریبه باشند. عکس: مریم‌السادات منصور، ۱۳۹۳.

Pic1: People taking pictures as memories with the urban landscape of Tehran from the Tabiat (Nature) bridge belvedere. This fact that many people not knowing each other choose the same background of Northern Mountains of Tehran and Modarress highway for recording a souvenir reveals the importance of the landscape in their minds. They share this image with other users, despite being strangers. Photo: Maryam Mansouri, 2015.

با در نظر داشتن تفاوت‌های ماهوی فضای جمعی و فضای عمومی، زیباشناسی فضای جمعی از ارکان نخستین و بنیادین اثرگذاری بردرک مخاطب از شهرو انتقال پیام به ذهن اوست. پل طبیعت و خیابان انقلاب از جمله فضاهای جمعی تهران هستند که تأکید بر ایجاد خاطره (در اولین خاطره بصری و در دومی خاطره تاریخی) مهم‌ترین اقدام زیباشناسانه در آن‌ها بوده است. در مقابل، در پروژه ۱۷ شهریور با محور قرار دادن عناصر کالبدی، تنها به زیباشناسی تزئینی اکتفا شده است.

نمونه سوم: پیاده‌راه آیینی ۱۷ شهریور و میدان امام حسین (ع)  
این فضا از لحاظ تاریخ سیاسی و اجتماعی، بستری شبیه به خیابان انقلاب تهران دارد: جمعه سیاه و کشتار ۱۷ شهریور ۱۳۵۷. در طرح ساماندهی این خیابان سعی شده فضا تحت عنوان «پیاده‌راه آیینی» به فضای جمعی تبدیل شود. اتفاقاً به مناسبت عید نوروز، کیوسک‌هایی با همین موضوع در طول پیاده‌راه قرار گرفته‌اند و فعالیت‌هایی موبوط به سنت‌های نوروز (رنگ‌کردن تخم مرغ توسط کودکان، فروش خوراکی‌های نوروزی و

نمونه مقایسه‌ای: میدان باستی پاریس  
مطرح کردن یک نمونه موردی خارجی مناسب به نظر می‌رسد. این نمونه که در شهر پاریس است و میدان «باستی» نامیده می‌شود از آن جهت اهمیت دارد که بستری کاملاً مشابه خیابان انقلاب اسلامی تهران و خیابان ۱۷ شهریور دارد: مکان تاریخی انقلاب کبیر فرانسه. در این میدان زندانی با همین نام وجود داشت که طی حوادث جولای ۱۷۸۹ تا ۱۴ جولای ۱۷۹۰ (تاریخ پیروزی انقلاب فرانسه) توسط خیل انقلابیون آزاد شد. امروزه میدان باستی که نقش اصلی آن ترددی است، تنها دارای یک ستون بلند در مرکز است با نام ستون «جولای» که یادمان پیروزی انقلاب است. موضوع حائز اهمیت، تجمع تمامی گروه‌های سیاسی، اجتماعی، هنری و عقیدتی در این نقطه برای برگزاری تظاهرات و گردهم‌آیی‌هاست. مانند خیابان انقلاب اسلامی تهران، فارغ از موضوع تجمع و عقیده گروه‌های شرکت‌کننده در تظاهرات، همگان این فضا را برای ابراز عقیده انتخاب می‌کنند. پایداری میدان باستی از طریق اعتباربخشی به خاطره تاریخی مشترک شهروندان از قرن ۱۸ تاکنون تحقق یافته است (تصویر ۶).

وسایل هفت‌سین مانند تنگ ماهی) در جریان است. این فعالیت‌ها و تدارکات واقعه‌ای اگرچه توانسته جمعیتی حداقلی را به فضا جذب کند اما ویژگی‌های کارکردی و کالبدی خیابان موجب می‌شود طرح ساماندهی پاسخگوی خواسته‌های کاربران فضا نباشد (تصویر ۴). از علل عدم رضایت بخشی مداخله در خیابان می‌توان به قطع ارتباط با بافت اطراف حتی با مسجد امام حسین (ع) (البته ظاهراً این پروژه هنوز تمام نشده اما وضع فعلی آن این‌طور نشان می‌دهد)، دشواری جابجایی اتومبیل‌های ساکنان محله به خاطر بسته شدن کوچه‌ها و طول زیاد خیابان برای جابجایی پیاده اشاره کرد. از طرف دیگر ساماندهی میدان نیز دارای مسائلی فراوانی است: مقیاس عظیم و غیرانسانی، فضایی به شدت بادگیر در فصل سرد که امکان توقف در آن را به حداقل می‌رساند، دیواره‌هایی مشبک که رسماً و البته مصنوعاً ارتباط را با شهر قطع کرده‌اند زیرا شهر را فضایی پرهیاهو قلمداد می‌کند که سنخیتی با روح آیینی میدان ندارد و تندیس‌های گنگی که پیامی به بیننده نمی‌رسانند. به نظر می‌رسد تمام تلاش‌هایی که برای تولید فضای جمعی آیینی و اعتباربخشی به خاطره مشترک تاریخی شده، صرفاً کالبدی است (تصویر ۵).

جدول ۱: جدول تحلیلی ارتباط اقدام زیباشناسانه و نتیجه مداخله. مأخذ: نگارنده.

Table 1: Analysis of the relationship between aestheticization action and product. Source: author.

نمونه‌های موردی	اقدام مهم زیباشناسانه	روش مداخله	انطباق نتیجه و هدف مداخله
پل طبیعت	ایجاد خاطره مشترک بصری	تأکید بر بزرگراه و کوه	موفق
خیابان انقلاب اسلامی	اعتباربخشی به خاطره تاریخی مشترک	حفظ عناصر کالبدی و ذهنی حایز معنا	موفق
پیاده‌راه ۱۷ شهریور و میدان امام حسین (ع)	ندارد	تعبیه کالبدی و مصنوعی عناصر نمادین تزئینی	ناموفق

خیابان ۱۷ شهریور نه تنها ظرفیتی برای جذب مردم اندیشیده نشده بلکه جمعیت حاضر (ساکتین و کسبه محلی) نیز رانده شده‌اند. در پل طبیعت، طرح برای نیل به آن چه موجب ایجاد خاطره مشترک بصری می‌شود، ابتدا از طریق خلق فضای تفریح‌گاهی اقدام به دعوت مخاطب کرده است. فضا نه تنها از لحاظ کارکردی موجب جلب مردم است بلکه شکل صوری آن نیز [فارغ از تحلیل‌های سلیقه‌ای] جالب توجه است: پل به مثابه نماد شهری. در گام بعدی، فضا سعی کرده است میان گروه‌های مخاطب حاضر در فضا نقطه همپوشانی پیدا کند. کاربرانی که برای پیاده‌روی، دوچرخه‌سواری، کافه‌نشینی، رستوران یا قرار ملاقات با دوستان به این فضای جمعی آمده‌اند، پدیده نظاره کوه‌های شمال تهران و بزرگراه شهید مدرس با عبور سیل اتومبیل‌ها و چراغ‌هایشان در شب را با یکدیگر به اشتراک می‌گذارند و تجربه مشترک نظاره منظر شهر تهران از نظرگاه پل طبیعت را تقسیم می‌کنند.

فعالیت‌های انسان در فضا و اهمیت ذهنی آن برای کاربر را شامل می‌شود. آن دسته از مداخلات زیباشناسانه که تنها دارای اهداف آیدئولوژیک اند و برای تحقق، دست‌آویزهای تک بعدی را مورد استفاده قرار می‌دهند، به هدف خود دست پیدا نمی‌کنند و دچار عارضه بی‌معنایی می‌شوند.

**جمع بندی** | محصولی که از دو مقیاس جزءنگر و کل‌نگر برداشت میدانی در سه نمونه موردی بر می‌آید جدول یک است. هم‌پوشانی مهم‌ترین اقدام زیباشناسانه در هر مورد تحلیل شده از یک سو و روش اصلی به‌کارگرفته شده جهت تحقق این اقدام از سوی دیگر از میزان موفقیت محصول حکایت می‌کند. در خیابان ۱۷ شهریور و میدان امام حسین (ع) علی‌رغم وجود خاطره مشترک تاریخی، آن چه موجب شده پیاده‌راه آیینی ناموفق باشد، دوربودن آن از واقعیت زندگی مردم است. در این طرح، نگاه آرمان‌گرایانه بر فضا سایه انداخته که با اقدامات افراطی و مصنوعی در فضا بروز پیدا کرده است. برخورد با فضا به مثابه نمایشگاهی در فضای باز است درحالی‌که فضایی مانند خیابان انقلاب اسلامی در روزهای معمولی، نقش شریان ارتباطی، فروشگاه کتب درسی و عمومی و پاتوق اقشار اجتماعی است. در زمان‌های تجمع، همین اقشار، اکثریت حاضر در فضا را تشکیل داده و آن را تصاحب می‌کنند. در

**نتیجه‌گیری** | هنگامی که اقدام زیباشناسانه با روش مداخله در فضای جمعی هم‌سو نباشد میزان انطباق محصول و هدف مداخله به حداقل می‌گراید و موجب ناموفق شدن فضای جمعی می‌شود. از آن جاکه اقدام زیباشناسانه به نوعی مداخله انسان برای معنادار کردن فضا است،

## پی‌نوشت

۱۰. Alexander Gottlieb BAUMGARTEN .  
۱۱. Place de la Bastille  
۱۲. La colonne de Juillet

Hannah ARENDT . Y  
Aestheticization . A  
Aesthetics . ۹

Public sphere . ۴  
John DEWEY . ۵  
Place for living together . ۶

Public space . ۱  
Social space . ۲  
Jürgen HABERMAS . ۳

## فهرست منابع

- Arendt, H. (1961). *Condition de l'homme moderne*, traduit par Georges Fradier, Paris: Calm-ann-Lévy coll. «Agora», 414 p.
- Baumgarten, A. G. Dewey, J. (2008). *The Collected works of John Dewey: The Later Works, 1925-1953: 1935-1937*, s.l., Southern Illinois University Press, 752 p.
- Dewey, J. Shusterman, R et B, S. (2010). *L'art comme expérience*, traduit par Jean-Pierre Cometti, Christophe Domino et Fabienne Gaspari, Paris: Gallimard, 596 p.
- Habermas, J. (1978). *L'espace public : archéologie de la publicité comme dimension constitutive de la société bourgeoise*, traduit par Marc Buhot de Launay, Paris: Payot, 324 p.
- Hegel, G. w. F. (1995). *Cours d'esthétique*, traduit par Jean-Pierre Lefebvre et Veronika Von Schenck, Paris: Aubier, vol. 2.
- Heidegger, M. (1987). *De l'origine de l'œuvre d'art: première version, 1935*, France, Authentica, 57 p.

- آتشین‌بار، محمد. (۱۳۹۱). زیباشناسی منظر خیابان‌های تهران؛ سیاست‌های زیباسازی خیابان‌های تهران در چهار دوره تاریخی، *مجله منظر*، ۴ (۱۹): ۱۹-۱۲.
- Joseph, I. (2002). *Espace public, urbanité, citoyenneté*, Lyon: Certu.
- Kant, I. (1965). *Critique de la faculté de juger*, traduit par Alexis Philonenko, Paris: J. Vrin, 308 p.
- Kant, I. (1953). *Observations sur le sentiment du beau et du sublime*, traduit par Roger Kempf, Paris: J. Vrin, 84 p.
- Levy, J. et Lussault, M. (dir). (2003). *Dictionnaire de la géographie*, Paris: Belin, 1033 p.
- Nietzsche, F. (1967). *Œuvres philosophiques complètes*, Paris: Gallimard.
- Platon, I. (1992). *La République: livre I à X*, traduit par Émile Chambry, Paris: Gallimard, 368 p.
- Talon-Hugon, C. (2013). *L'esthétique, Paris, France*, Presses universitaires de France, impr. 2013 (coll. «Que Sais-je ?», 127 p.

تصویر ۴: دورنمای میدان امام حسین (ع) از ایستگاه اتوبوس بی‌آرتی (BRT): منفک بودن فضا از بافت اطراف نه تنها درون فضا حس می‌شود بلکه به لحاظ بصری نیز قابل ملاحظه است. دیواره‌های مشبک جداکننده، مناره‌های مسجد که اگرچه در حقیقت، خیلی دور نیستند اما گویی در فاصله زیادی از فضا واقع شده‌اند، مقیاس ابرانسانی خیابان‌ها و نبود دسترسی پیاده به فضا از مظاهر این ادعا هستند. میدان امام حسین (ع) انگار معلق است. عکس: زینب هنزکیان و معصومه غلامرضایی، ۱۳۹۳.

Pic4: Perspective of Imam Hussein square from the BRT bus station: the separation of this space is not only felt in the space but is also clearly distinguished by vision. The separating mesh walls, the minarets of the mosque which in fact, are not too far away but seem very distant, the beyond-human scale of the streets and the lack of pedestrian access to this space are some manifestations of this claim. It seems that Imam Hussein square is suspended. Photo: Zeinab Hanzakian & Maasoume Gholam-Rezayi, 2014.



تصویر ۴  
Pic4

- Kant, I. (1953). *Observations sur le sentiment du beau et du sublime*, traduit par Roger Kempf, Paris: J. Vrin, 84 p.
- Levy, J. et Lussault, M. (dir). (2003). *Dictionnaire de la géographie*, Paris: Belin, 1033 p.
- Nietzsche, F. (1967). *Œuvres philosophiques complètes*, Paris: Gallimard.
- Platon. (1992). *La République: livre I à X*, traduit par Émile Chambry, Paris: Gallimard, 368 p.
- Talon-Hugon, C. (2013). *L'esthétique, Paris, France*, Presses universitaires de France, impr. 2013 (coll. «Que Sais-je ?», 127 p.

# Social Space Aesthetics; Aesthetic Evaluation of Three Cases in Tehran

Maryam Mansouri, Ph.D. candidate in Université de Paris  
OUEST Nanterre-LaDéfense.  
maryamansouri@gmail.com

**Abstract** | Social space and aesthetics are the two concepts occupying nowadays a vast position in urban literature. The link for this “dual” stays in the sense of space for human and his role in founding this notion. Aestheticization actions through human intervention in social space guide us to the emergence of a sense in the tangible experience of the audience. These actions determine the compliance between the mind of the audience and the sense. More harmonized is the aestheticization action with the society’s mind; deeper will be the sense of the space for the users. In contrast, aestheticization actions that are far from the society’s mind- usually for ideological, economical or missing program reasons; turn clearly meaninglessness and confused in their product.

Idealistic perspectives in aestheticization actions on social space are [often] unsuccessful and meaningless due to being far from the real society’s life and the user’s mind,. When the aestheticization action isn’t harmonized with the method of intervention in the social space, the level of compliance between its aim and the product tends to decrease and the social space may fail. Since the aestheticization action is somehow a human’s intervention for giving a sense to the space, it includes its activities in space and its subjective importance for the user. Those aestheticization actions that follow only an ideological aim and to realize, track one-dimensional tools, cannot achieve their aim and turn meaningless.

**Keywords** | Social space, Aesthetics, Aestheticization action, Tehran.

## Reference list

- Arendt, H. (1961). *Condition de l’homme moderne*, traduit par Georges Fradier, Paris: Calmann-Lévy coll. «Agora», 414 p.
- Baumgarten, A. G. Dewey, J. (2008). *The Collected works of John Dewey: The Later Works, 1925-1953: 1935-1937*, s.l., Southern Illinois University Press, 752 p.
- Dewey, J. Shusterman, R et B, S. (2010). *L’art comme expérience*, traduit par Jean-Pierre Cometti, Christophe Domino et Fabienne Gaspari, Paris: Gallimard, 596 p.
- Habermas, J. (1978). *L’espace public : archéologie de la publicité comme dimension constitutive de la société bourgeoise*, traduit par Marc Buhot de Launay, Paris: Payot, 324 p.
- Hegel, G. w. F. (1995). *Cours d’esthétique*, traduit par Jean-Pierre Lefebvre et Veronika Von Schenck, Paris: Aubier, vol. 2.
- Heidegger, M. (1987). *De l’origine de l’œuvre d’art : première version, 1935*, France, Authentica, 57 p.
- Joseph, I. (2002). «Espace public, urbanité, citoyenneté», Lyon: Certu.
- Kant, I. (1965). *Critique de la faculté de juger*, traduit par Alexis Philonenko, Paris: J. Vrin, 308 p.